



## مادر شدن چه مشکل!

## مادر شدن چه مشکل!

### چه خبر از کجا؟

### اینستاگرامر

### مانا

### چشم در راه

#### مادر شدن چه مشکل!

... مسئولین به طور پیش فرض وجود مادران دانشجو را محال می دانند؛ یا می پندارند که مادر شدن یک دانشجو انتخابی در حوزه زندگی فردی او است و مسئولیتی برای دانشگاه در خصوص تدارک فضای مناسب نگهداری فرزندان دانشجویان خود ایجاد نمی کند. و اگر زنی چنین انتخابی داشته باشد، باید خود مستقلاً برای مراقبت از کودکش تدبیری بیاندیشد! درحالی که پیش تر گفته شد مادر شدن یک مسئولیت اجتماعی است...

ادامه در صفحه ۲

اگر خاطرتان باشد، در شماره های قبل اشاره کردیم که با در نظر داشتن اولویت و ارجحیت خانواده، مانعی برای نقش آفرینی اجتماعی و فعالیت علمی زنان وجود ندارد. اما مشکل از جایی شروع می شود که شما به عنوان یک زن بنا داشته باشید در کنار این نقش ها نقش مادری را هم تجربه کنید.

از این لحظه حرف و حدیث ها شروع می شود! گروهی شما را سرزنش می کنند که اصلاً چرا می خواهی درس بخوانی و بنشین توی خانهات و بچهات را بزرگ کن.

گروه دیگری هم شما را ملامت خواهند کرد که دارید با دستان خودتان آینده ی تحصیلی تان را خراب می کنید. حتی متخصص زنانی که قرار است برای دانشگاه گواهی بارداری بنویسد و هفته ای چند دفعه در تلویزیون از کاهش نرخ باروری و بالا بودن ریسک بارداری در سنین بالا، صحبت می کند هم احتمالاً در همین گروه قرار دارد!

از همه ی این ها که بگذرید با مانعی به نام دانشگاه و زیرساخت های نامناسبش رو به رو خواهید شد که او هم طرفدار نظریه ی مادری/دانشجو بودن است.

اما ما معتقدیم یک زن اگر بخواهد می تواند -و حق دارد- هر دو را با هم داشته باشد و مدیریت کند.

#### سخن سردبیر

ریحانه امدادی / بهداشت محیط ۹۵

سلام. برای ما -ما و شمایی که از ۷ سالگی مشغول درس و کتاب شده ایم- همیشه تقویم دو مبداء داشته است؛ اول فروردین و اول مهر.

و شاید بی راه نباشد اگر بگوییم برای ما دومی از اولی مهم تر، پرشورتر و اثرگذارتر است.

مهرماه امسال هم مانند سال های گذشته دغدغه ها و شوق های جدیدی با خود به همراه آورد. روشن است که این دغدغه ها دارای اهمیت یکسانی نیستند؛ با این وجود گاه شاهد تلاش و پیگیری دانشجویان برای تحقق مطالبه های درجه ی دو یا حتی سه هستیم درحالی که مطالبه های درجه ی اول روی زمین مانده است.

یکی از دغدغه های مهم اما مغفول جامعه ی بانوان دانشجو -به خصوص دانشجویان متاهل-، تصمیم گیری بر سر دوراهی کاذب مادر شدن -ادامه ی تحصیل است.

دو انتخابی که از دیدگاه عقل نباید تزاممی با یکدیگر داشته باشند اما آن چه در واقعیت مشاهده می کنیم چیز دیگری ست!

به شرط آن که دیگرانی که در خانواده، دانشگاه و... با او در ارتباط هستند به همراهی اش بیایند یا دست کم، دست از مانع تراشی بردارند.

اهمیت این مسئله از نظر ما آن قدر بالا بود که تصمیم گرفتیم در این شماره مقوله ی مادر-دانشجو را به طور مفصل بررسی کنیم.

بنابراین پیشنهاد می کنم در هر کدام از گروه های مذکور که قرار دارید، -و یا حتی اگر با ما هم نظرید- خواندن این شماره را از دست ندهید.

## مادر شدن چه مشکل!

زینب نصیرزاده/پزشکی بهمن ۹۶

مدتهاست که بازار دفاع از حقوق زنان در کشمکش‌های اجتماعی و سیاسی داغ شده است. اما آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که این رسانه‌های دلسوز پر سر و صدا چه میزان به موانع پیش روی زنان در انتخاب هم‌زمان مادری و تحصیل پرداخته‌اند؟! مادر شدن، لذتی وصف ناپذیر است که خالق هستی آن را به زنان اختصاص داده است.

طبیعتاً وقتی سخن از مادری به میان می‌آید، مقصود تنها حمل، زایش و پرورش جسم یک انسان نیست. چرا که مادر و فرزند موجودی دو ساحتی‌اند، نه معاشرت مادر با فرزند یک تعامل صرفاً جسمانی و چیزی شبیه مفهوم مادری در جانداران دیگر است و نه تربیت فرزند با ساخت‌وساز یک ماشین قابل قیاس است که بتوان مادری را امر نیابتی در نظر گرفت.

روح لطیف و جسم ظریف کودک تنها باید با لطایف و ظرایف مادر پرورانیده شود. پس مادر شدن انتخاب یک زن برای نقش آفرینی در جایگاهی است که هیچ جایگزینی برای آن وجود ندارد و به دوش کشیدن بار تربیت نسل آینده و جامعه‌سازی است که باید آن را ذیل مقامات اجتماعی انسان دانست.

به همین دلیل ارزش این انتخاب با سر باز زدن از مسئولیت مادری از سوی برخی -باوجود داشتن شرایط مادر شدن- و حتی با دیگر انتخاب‌های فردی و اجتماعی زنان برابر نیست.

مادر کیمیاگری است که هم گوهر وجود خود و هم گوهر وجود فرزند را می‌یابد، رشد می‌دهد و برای اثرگذاری اجتماعی به جامعه عرضه می‌دارد.

اما باید توجه داشت که زن نباید در شرایطی قرار گیرد که با اکراه بین مادر شدن و رشد دیگر ابعاد وجودی‌اش یکی را برگزیند. بلکه باید بستری فراهم شود که زن در کنار ایفای نقش مادری بتواند به کسب فضائلی همچون علم به همان میزان که مردها از آن بهره‌مندند، بپردازد.

متأسفانه با گذشت سال‌ها از شروع فعالیت فعالین حقوق زنان، نه تنها الگوی صحیحی برای برآورده شدن این دو مایحتاج یعنی مادری به همراه تحصیل فراهم نیست، بلکه هنوز جنس مطالبات زنان نیز به این سمت‌وسو رهسپار نشده است. در ادامه به چند مورد از این مشکلات می‌پردازیم:

## حمایت خانواده

مادری مسیری است که باید با آرامش خاطر طی شود. چرا که ارتباط روحی بسیار نزدیک مادر و فرزند باعث می‌شود که هرگونه اضطراب و تنش از مادر به کودک منتقل شود. در نهاد خانواده، پدر و دیگر اعضا، موظفاند با حضور به‌هنگام در مواجهه با چالش‌های موجود، زن را در پذیرش نقش مادری و تحصیل حمایت کنند. پیش از هر مسئله‌ی دیگری، خانواده نه‌تنها نباید مانعی برای برآورده شدن این دو حق باشد؛ بلکه باید در کنار زن به برطرف شدن دیگر موانع موجود بپردازند.



## حمایت جامعه

یکی از چالش‌هایی که با آن مواجه‌ایم عدم پذیرش مادران دانشجو به ویژه در رشته‌های علوم پزشکی از سوی جامعه‌ی دانشگاهی اعم از مسئولان، اساتید، کارکنان و حتی دیگر دانشجویان است. یک زن باید این اطمینان خاطر را داشته باشد که اگر بخواهد در کنار اشتغال به تحصیل، شغل مادری را هم بپذیرد، جامعه با تمام توان پشت او خواهد ایستاد. نکته‌ای که از سوی مسئولان فرهنگی مورد غفلت واقع شده است و بدون شک باید به سرعت جهت ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی در دانشگاه اقدامات لازم صورت گیرد.

## مرخصی زایمان

در هر صورت مرخصی و فرآیند زایمان در روند تحصیل اختلال ایجاد خواهد کرد. اما عدالت حکم می‌کند تا تسهیلاتی ایجاد گردد که این اختلال حتی الامکان

کاهش یابد. به گونه‌ای که مادر بیش از دیگر دانشجویان مورد "حمایت آموزشی" دانشگاه قرار گیرد تا بتواند هم‌پای دیگران این مسیر را طی کند.

## عدم وجود فضای مناسب برای کودک در محیط‌های تحصیلی

کارورزی و حتی بعضاً کارآموزی در برخی رشته‌های علوم پزشکی مستلزم حضور طولانی مدت دانشجو در مراکز بالینی است. بدون شک یکی از الزامات نقش آفرینی مادر حضور فیزیکی در کنار کودک است؛ به ویژه اگر کودک در سنین شیرخوارگی باشد و علاوه بر نیاز روحی، نیاز جسمانی نیز به مادر داشته باشد. یکی از بارزترین مشکلات این است که برای حضور کودک هیچ ساختار مناسبی فراهم نشده است. یعنی مسئولان به‌طور پیش فرض وجود مادران دانشجو را محال می‌دانند؛ یا می‌پندارند که مادر شدن یک دانشجو، انتخابی در حوزه‌ی زندگی فردی او است و مسئولیتی برای دانشگاه در خصوص تدارک فضای مناسب نگهداری فرزندان دانشجویان خود ایجاد نمی‌کند. و اگر زنی چنین انتخابی داشته باشد، باید خود مستقلاً برای مراقبت از کودکش تدبیری بیندیشد!

درحالی‌که پیش‌تر گفته شد مادر شدن یک مسئولیت اجتماعی است. در شرایطی که در سایر کشورها حضور کودک در محیط‌های تحصیلی اعم از کلاس درس نیز مورد تأیید استاد و دیگر دانشجویان است، این پرسش مطرح می‌شود که در جمهوری اسلامی، چه زمان قرار است برای حضور کودکان در محیط دانشگاه فرهنگ‌سازی‌های لازم صورت گیرد؟!

مادر شدن یک دانشجو خدمت مضاعفی است که او به جامعه عرضه می‌دارد تا بار انسان‌سازی و علم‌آموزی را با هم به دوش بکشد و یقیناً طی این راه همتی اجتماعی می‌طلبد.

انتظار می‌رود دانشگاه با در نظر گرفتن تسهیلات اختصاصی همچون فضای مناسب کودکان در محیط‌های تحصیلی، حمایت همه‌جانبه‌ی آموزشی مانند کاهش ساعات کشیک و حمایت رفاهی مثل وام‌های ویژه‌ی مادران دانشجو و ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی لازم، قدمی در طی این مسیر بردارد. امید است جامعه‌ی زنان بیش از پیش با توجه به مطالبات حقیقی زنان، دست از انفعال بردارند و خود نیز این مسیر را هموار کنند.





زنانی با گوشواره‌های باروتی

چه خبر از کجا؟  
سپیده محدثه طهمی  
بعدالذات محیطه ۹

### اولین پرواز رفت و برگشت تهران مشهد با دو خلبان زن

۲۲ مهر اولین پرواز رفت و برگشت تهران- مشهد با دو خلبان زن انجام و هدایت هواپیما توسط این دو خلبان صورت گرفت. نشاط جهانداری و فیروز فیروزی این دو خلبان بودند. جهانداری در صفحه‌ی اینستاگرام خود نوشت: ۲۲ مهر ماه سال ۹۸ یک روز خاص و فراموش نشدنی در صنعت هوانوردی ایران است؛ برای اولین بار هدایت هواپیما توسط دو بانوی خلبان صورت گرفت. پرواز اول ۴۰۴۱ تهران-مشهد ۱۶۰ نفر مسافر و پرواز دوم ۴۰۴۰ مشهد-تهران، ۱۷۱ نفر مسافر داشت. / خبرگزاری فارس

### آغاز نمایش مستند "زنانی با گوشواره‌های باروتی"

آقای رضا فرهنگد کارگردان مستند زنانی با گوشواره‌های باروتی در آیین افتتاحیه گفت: تولید این مستند، بسیار سخت بود و من برای نخستین بار به دل جنگ رفتم و از زاویه‌ای متفاوت به روایت داعش پرداختم. وی ادامه داد تاکنون کسی از زنان داعشی نگفته و قصه‌ی آن‌ها را به تصویر نکشیده بود و ما به کمک یک خبرنگار زن عراقی توانستیم این کار را انجام دهیم. در خلاصه داستان این مستند آمده است: روزنامه‌نگاری به نام نور در مسیری دشوار با همراه شدن با نیروهای ضد داعش عراقی، با زنان قربانی یا همسران داعشی‌ها، مصاحبه کرده است و مصائب آن‌ها را جویا می‌شود. جالب است بدانید در این مستند، زنان نه تنها نالان و پشیمان نیستند بلکه داعش را گروه بر حق دانسته و از رفتن آن‌ها ناراضی‌اند! / خبرگزاری صدا و سیما

### بانوان، ۴۰ درصد از زائرین اربعین

حجت‌الاسلام سیدعبدالفتاح نواب نماینده ولی‌فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی جمعه ۲۶ مهرپس از بازگشت از سفر کاری عراق، در بدو ورود به ایران در فرودگاه امام خمینی (ره) در مورد سفر اربعین گفت: "ملت ایران سنگ تمام گذاشتند و ملت عراق نیز در پذیرایی و خدمت رسانی بسیار خوب عمل کردند." وی با بیان اینکه هر سال تعداد بیشتری از مردم در مراسم اربعین شرکت می‌کنند، اظهارداشت: امسال، ۴۰ درصد از زائران بانوان بوده‌اند که اسکان، تغذیه و رسیدگی به مشکلات آن‌ها و کودکان همراهشان نیازمند برنامه‌ریزی دقیق‌تری است. / خبرگزاری مهر

### حضور تماشاگران زن در مسابقه‌ی فوتبال

در دور اول از مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر تیم‌های ملی ایران و کامبوج عصر پنجشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۸ در ورزشگاه آزادی تهران به مصاف هم رفتند. این دیدار در پایان با برتری ۱۴ بر صفر ایران به پایان رسید. برای اولین بار حدود ۳۰۰۰ نفر از زنان کشورمان نیز تماشاچی این بازی بودند. / تسنیم

## ایستاگرامر

فاطمه کیایی / داروسازی ۹۴



این صفحه شما را مسحور خواهد کرد!

گوشی موبایلتان را بردارید... وارد اینستاگرام شوید، روی علامت ذره بین بزنید، و این آدرس را وارد کنید: zeinabtch ... وارد این صفحه که بشوید، در همان نگاه اول با دیدن رنگ‌های متنوع و تصاویر زیبا و بدیع شگفت زده خواهید شد! اگر اهل شعر و ادبیات هستید و از خواندن کتاب لذت می‌برید اینستاگرامر پیشنهاد خوبی برایتان دارد. اما اگر اهل هیچ‌کدام این‌ها هم نبودید و میانه‌تان با روزمره نویسی بهتر است باز هم با ما همراه باشید! این صفحه پر از پست‌های جذابی است که روزمرگی‌های زندگی را از زاویه‌ی دیگری به تصویر می‌کشد صفحه‌ای که این شماره درموردش حرف می‌زنیم متعلق به زینب توتونچی، فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم ارتباطات از دانشگاه تهران است. دختر جوانی که صاحب یکی از پر مخاطب‌ترین اکانت‌های اینستاگرام است و دغدغه‌ها، نظرات و تحلیل‌هایش درباره‌ی مشکلات و مسائل فرهنگی اجتماعی روز را با دنبال کنندگان خود به اشتراک می‌گذارد.

هم‌نشینی تصاویری که از آن‌ها می‌توان به ظرافت نگاه این دختر ایرانی پی برد و متن‌هایی که گاه جمله‌ای لطیف از یک شخصیت بزرگ یا یک کتاب عاشقانه و گاه جدی و پر از دغدغه است، ترکیب جذابی را به وجود آورده که به راحتی می‌تواند مخاطبش را برای مدت زمانی طولانی، پای خود بنشانند.

بنابراین پیشنهاد می‌کنم زمان را از دست ندهید و خودتان بروید شنیده‌ها را از نزدیک ببینید.

## مانا

ظاهره ملک علی پور / نویسنده مهمان

که مادرانه طفل نوپای کربلا را چنان از آب و گل در آورد که عمرش به ۱۴۰۰ سال رسیده است و بیشتر از این هم خواهد شد. خدا زن را دوست داشت که رسالت ماندن را به او داد و چه کسی می‌تواند از پس این مهم برآید جز آن که گوهر مادرانگی درون اوست... زینب مادر کربلاست، بر فرزندانش می‌گرید، از بازماندگانش مراقبت می‌کند و بیش از همه در برهه‌ی حساس تاریخی که مسیر حرکت کاروان اسراست، تمام نقشه‌های شوم امویان را نقش بر آب می‌کند و مگر نه این که مادر تا چهل روز، تماماً مراقب فرزند است و سپس تا پایان عمر لحظه‌ای کربلایش را رها نمی‌کند...

این رسالت کار یک مرد نیست که ماندن ترکیبی است از احساس و عقل؛ و این هر دو در عقیده‌ی بنی هاشم تجلی می‌یابد... و امروز بعد قرن‌ها باز این مادر کربلاست که فرزندان کربلایی‌اش را گرد هم جمع می‌کند، این بار در سرزمین شام! و چه آشناست مادرانه‌ای که فرزندان



عاشق را گرد هم می‌آورد.

و آه از این زن

و آه از زنا!

که ماندن رسالت اوست، چرا که البلاء للولاء...

و خداوند زن را آفرید تا بماند و چه رنجی بالاتر از ماندن و چه صبری بالاتر از ماندن و چه مقامی بالاتر از ماندن... اگر در عرفان و مسلک عشاق، رفتن مراد است، در ماندن همانا گوهری یافت شود که نایب‌تر است.

و سر سلسه‌ی آنان که ماندن را از رفتن بالاتر کردند زینب(س) است. اگر زینب در کربلا شهید می‌شد، شهیده‌ای بود و ۷۳ تن را می‌گریستیم، اما او ماند تا "ماندن" را معنا ببخشد. و اگر تو می‌خواهی بدانی میان آنان که در تاریخ مأمور به ماندن و صبر بوده‌اند چه تفاوتی است، یعقوب را ببین که بی یوسف ماند و گریست و از یاد نبرد اما نهضتی برای یافتن یوسف و توبه‌ی برادران گنه کارش در کنعان راه نیفتاد،

با آن که یعقوب پیغمبر بود...

و زینب ماند و چنان تاریخ را رقم زد که نبض تپنده‌ی اسلام برای همیشه کربلا ماند.

و اگر حسین (علیه‌السلام) کربلا را متولد کرد، زینب بود

## چشم در راه

نام و نشانت در میان تلخ از خاک‌ت‌رت جا ماند  
رفتی، نمی‌دانی که مادر بعد تو تنهاست تنها ماند

ای نور چشمانم! کجا باید به دنبال مزار خاک ات باشم؟!  
خشت است چشمان ترم از بس که چشمانم به دروا ماند

قد رشیدت در میان خاک‌های گره پنهان شد  
یک استخوان کهنه از آن پهلوان، آن شیر برن ماند

هر بار که نام شهیدی را به روی کوچم و دیوار می‌بینم  
یادم می‌آید نیستن؛ اما جهان در گیر زرق و برق دنیا ماند

بیهوده از سوی مزار تو نیم یاس جاری نیست...  
تا لحظه‌ی آخر سرت بر دامن قدس زهرا ماند

فاطمه پورحج آستانه



مراسم تشییع و تدفین شهید گمنام دانشگاه-۳۴ مهر ۹۶